



مجله العربی - چاپ کویت

بررسی کننده: محمد العلی
ترجمه: محمد علی حجازی

دمشق کار می‌کرده و وظیفه‌ی او روشن کردن چراغ کوچه‌ها در شب و خاموش کردن آن‌ها در باحداد بوده است و بعدها همین اسم او مری به شغل او اطلاق شد.

بعضی از نویسندگان اسامی مختلفی مانند "زط" "امعرب جتا" و (سباجه) را برای آن‌ها ذکر کرده‌اند طبق منابع عربی "زط" قومی هندی بود که به احتمال زیاد در نزدیکی رود سند زندگی می‌کرده‌اند این قوم به نام سیاهان هندی به خاطر پوست تیره‌ی لباس‌ها و ارایش خاص خود شهرت داشتند "زط"‌ها پس از کوچ به سرزمین‌های عربی جلگه‌ها و باتلاق‌های عراق را برای سکونت انتخاب کردند با پیشروی به سوی غرب به بادیه‌ی الشام رسیدند آن‌ها زندگی صحرانوردی را پیش گرفته و به پرورش الاغ و سگ‌های شکاری پرداختند.

اما چنین پیداست که اعراب "زط"‌ها اقبل از اسلام نیز می‌شناختند چون قبیله‌ی تمیم با آن‌ها مخلوط شده و قبیله‌ی عبدالقیس در جنوب عراق نیز در سخاوت آن‌ها زندگی می‌کردند.

داغ شده دختران زیبا و کوچک آن‌ها هنگامی که با خوشحالی دنبال هم می‌دویدند سرا از خود بی‌خود می‌کرد کارهای آن‌ها متنوع بود: دندان‌سازی، درمان دندان، ساختن شانه، طبل و امثال آن شب‌ها نیز صدای ساز و آواز زیبایی از چادرهای آن‌ها به گوش می‌رسید که در بین خانواده‌های ما چنین نعمتی وجود نداشت.

هنوز نمی‌دانم چرا برخی زنان و مردان از کولی‌ها متنفر بودند و آن‌ها را از خود می‌رانند؛ شاید به این دلیل بود که کولی‌ها خارج از چهار چوب عادات و رسوم جوامع شهری یا روستایی قرار داشتند و در جوامع بسته‌ی خود زندگی می‌کردند.

ریشه‌های کولی‌ها

یکی از اسامی کولی‌ها "قرباط" است که وجه تسمیه‌ی آن پدیده‌ی "کارپات" در اروپا می‌گردد و حتی زبان آن‌ها غربی است. گروهی از آن‌ها در شام به "دومری" مشهور هستند که از سرزمین‌های نزدیک به رود افرات، عهد عثمانی زندگی می‌کردند و سپس به عراق آمدند. این سرد در شهر باری

این گزارش در مجله‌ی العربی شماره ۵۲۹۵ شعبان ۱۴۲۲ برابر با اکتبر ۲۰۰۳ م چاپ کویت پیرامون کتابی در مورد کولی‌ها درج شده و ضمن بررسی کتاب مذکور اطلاعاتی را در مورد زندگی آن‌ها ارائه داده است که امید است مورد استفاده دانش پژوهان قرار گیرد.

مشکل است تعداد دقیق کولی‌ها را مشخص کرد زیرا بسیاری از کشورها در سرشماری‌ها به آن‌ها اشاره نمی‌کنند به علاوه خود کولی‌ها نیز از نظر برخورد‌های اجتماعی و نوع روابطشان با دیگران از معرفی خویش خودداری می‌ورزند گفته می‌شود حدود ۱۲ میلیون کولی در سراسر دنیا پراکنده‌اند آیا بین این گروه روابط ویژه‌ی خاصی مشترکی وجود دارد؟

در کودکی به چادرهای آن‌ها نزدیک می‌شدم و از خوراکی‌ها و لباس‌های کهنه‌مان به آن‌ها می‌دادم در آن روزها ایشان را خوشبخت‌ترین موجودات روی زمین فرض می‌کردم چه بسا لباس‌های زری‌دوزی و چادرهای رنگارنگ و دوهای

۱. کولی‌ها طایفه‌ای از بقایای هندیان هستند که در عهد بهرام گور به ایران آمده و در ایران ساکن شده‌اند، آن‌ها مردمی صحرانشین و بیابان‌گرا هستند و در همه‌جا گردش می‌کنند و آن‌ها را لوری و اولی هم گفته‌اند. فرهنگ همین دلیل کولی
فغان کاین لولیان شوخ و شیرین کارشهر آشوب
چنان برآید سیر از دل که ترکان خوان بهمارا

د حافظ و

۲. کارپات (Karpai-Compai) سلسله‌ی جبال مشرف به جلگه‌های اسلوواکی، هنگری (مجارستان) و نواحی ترانسیلوانی و آن از براتیسلاوا تا پرت مفر (کابل الهندی) در ساحل رود دانوب ادامه دارد. طول آن ۱۶۵۰ کیلومتر و مرتفع‌ترین قلعه‌ی آن تاگر است. (فرهنگ همین، اعلام، ج ۶)

۳. سید محمد علی شوشتری (امام) در کتاب جغرافیای خوزستان در مورد هندی‌ها می‌نویسد: تعلیم مطلب آن که در ایام ساسانیان دست‌های از مردم هند به نام جات یا گات نامیده می‌شدند در این محل نشیمن کردند. "زط" معرب جات یا گات و نام طایفه‌ای است از مردم هند که در روزگار ساسانیان به ایران آمده‌اند گروهی از آنان در این نواحی نشیمن گرفته و کلمه هندی‌ها هم به مناسبت نام آن‌ها است

فرهنگی سال سوم ۱۳۹۲

۱۳۹۲



www.channelpbb.org

زطی "یا سربازان خراسانی همراه ایث بن فضل کارزار رشید عباسی در سال ۱۸۲ هجری وارد مصر شده بود و هنگامی که بین امین و مأمون جنگ در گرفت آن فرد به نفع مأمون وارد کارزار شد و فرماندهی سربازان خراسانی را بر عهده داشت. **"سری بن حکم"** بر غرب دلتای نیل و مصر علیاً مسلط شد. بعد از سری پسرش ابونصر محمد جانشین او شد که پس از درگذشت شخص اخیر ۲۰۶۱ هجری (برادرش عبیدالله بن سری به حکومت رسید که بعد از جنگ‌های خونین بر تمام مصر مسلط گردید. هنگامی که مأمون خواست عبیدالله را از طرف خود والی مصر نماید سر به شورش برداشت. لذا خلیفه در سال ۲۲۱ هجری عبیدالله طاهر را برای سرکوبی او اعزام داشت. عبیدالله پس از شکست تسلیم شد و با اخذ امان نامه به عراق مراجعت و تا سال ۲۵۱ هجری که وفات یافت در سامراء زندگی می کرد.

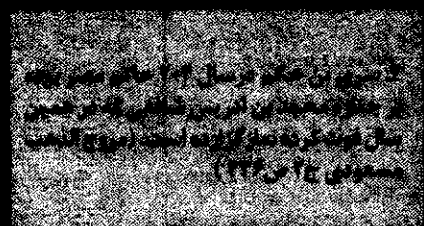
هنگامی که شورش "زط" ها در سال ۲۰۵ هجری صورت خطرناکی به خود گرفت و بر کلیه مناطق عراق مسلط شدند و راه‌های بین وسط و جنوب این کشور را قطع کردند. مأمون سنجور شد لشکریانی را برای سرکوبی آن‌ها فرستاد زیرا شورشیان برای موقعیت خلیفه و دولت وضعیتی ایجاد کرده بودند مأمون قبل از سرکوب زط‌ها درگذشت و معتصم که خود یک فرمانده نظامی بود جانشین او شد. در حالی که معتصم مصمم بود کلیه مشکلات خارجی و داخلی خود را که در راس آن‌ها شورش فوق بود برطرف نماید

با شروع سال ۲۱۹ هجری معتصم یکی از معروف‌ترین فرماندهان خود یعنی عجیف بن عنیسه را به جنگ آن‌ها فرستاد عجیف که فرماندهی کارگشته بود کلیه اخبار مربوط به سکونت، نقل و انتقالات و میزان نیروی "زط" ها را جمع آوری کرده و سپس اقدام به بستن

طرفداری کردند ... سپس معاویه خلیفه‌ی اموی با اعزام آن‌ها به مرزهای دریایی شام این ناحیه را تقویت نمود زیرا "زط" ها به چابکی و مقاومت در جنگ‌های دریایی شهره بودند وجه تسمیه‌ی "سباجه" نیز به خاطر چادرهای سیاه یارنگ تیره پوست آن‌ها بود و هر فرد از گروه "سیجی" یا "سباج" خوانده می شد. "سباجه" به خاطر آشنایی با فنون جنگی هندی‌ها که اعراب از آن بی‌خبر بودند با عنوان مزدور جنگی استخدام می شدند و شغل دیگر آن‌ها در بصره پاسبانی یا نگهبانی از زندان‌ها بود. و زبان آن‌ها نیز از زبان‌های هندی منشعب شده بود. بعضی از "سباجه" ها در بصره زندگی می کردند به طوری که برخی از مجله‌ها به نامشان خوانده می شد و گروهی نیز در بشت‌های پست سکونت داشته و به کشاورزی ابی می پرداختند.



رودهای "بردود" و "عروس" و کلیه‌ی روده‌های فرعی دیگر نمودار نظر منابع ابی آن‌ها در تنگنا قرار گیرند. پس از آن به جایگاه‌های آن‌ها حمله کرد و عده‌زیادی را کشته و گروهی را نیز به اسارت گرفت. "زط" ها تسلیم شدند. عجیف اسرا را که ۱۲ هزار جنگ جو و ۱۵ هزار کودک و زن بودند با قایق‌هایی از محل کوچانید و برای مقابله با سپاهیان روم به روی دروازه اناتولی منتقل نمود. البته این کار به مدت سه روز و در حالی که اسرا بوق‌هایی را به صدا در می آوردند صورت گرفت. اما



رومی‌ها در سال ۲۴۱ هجری که بنا دولت عباسیان وارد جنگ شدند "زط"ها را به داخل سرزمین خود منتقل کردند. کوهی از آن‌ها در اطراف قسطنطنیه اقامت نمودند و برخی نیز به صورت پراکنده و به آسانی به طرف غرب حرکت کرده و وارد اروپا شدند.

اما ماجرای "زط"ها در کشورهای عربی پایان نیافت. زیرا در سال ۲۹۵ هجری سردین به نام ابو حاتم زطی از "زط"های سواد اجیب به عراق احره ج کرد و پس از شکست از قرامطه به آن‌ها ملحق شد و گفته شده که خوردن سبزی و پیاز و تره و تره و همچنین کشتن حیوانات را بر آن‌ها حرام کرد.

حکایت دیگری از شاهنامه حاکی از این است که بهرام کور پادشاه در آن ساسانی برای مجلس جشن و شادی خود از پادشاه هند در خواست اعزام تعدادی نو از نده نمود و او ۱۲ هزار نفر از این نوع زنان و مردان را برایش فرستاد. بهرام نیز به آن‌ها کتیم و کلاه داد تا از این راه کارزاعت مشغول شوند. ولی این گروه پس از این که همه را محصور کردند و اردشهرها شدند، در روز بار قاصی کسب روزی می‌کردند و شب‌ها نیز با حیوانات تربیت شده اموال مردم را سرقت می‌کردند. گروهی از آن‌ها که به نام "صلیب" معروف بودند در وادی شام، عراق و نجف به صورت اعراب بادیه‌نشین

بدوگاه از نظر لباس و شکل ظاهر از دیگران مشخص بودند زندگی می‌گذراندند از نوع در میان آن‌ها فقط درون گروهی انجام می‌شد و با همه در صلح و صفا زندگی می‌کردند. امر از معاش از طریق حید و تربیت الاغ‌های سفید رنگ برای کار خرید و فروش و به خصوص نسک بود. آن‌ها را اعراب بادیه‌می‌گفتند و لباس هایشان روشن و در جشن هار قاصی می‌کردند و قاصدان آن‌ها با بستن آلات فلزی به انگشتان همراهِ با صدای ریاب ایجاد شادی می‌کردند می‌گفتند مسلمان هستند اما ارباب مساسانی را به جای نمی‌آوردند. بزرگ آن‌ها در نیمه اول قرن بیستم اشیر مفید فا ملقب به تل اللحم (تپه کوشت) بود که به خاطر بخشنده‌گی شهرت فراوانی یافته بود. زبان



ان‌ها هم اکنون عربی مخلوط به لغات ترکی، فارسی و سندسکریت می‌باشد.

صلیبی‌ها افرادی لاغر، متوسط القامت، پوست سیاه و یا موهای سیاه‌می‌باشند و در سال‌های اخیر به سبب از بین رفتن صید و خشک‌سالی شیوه زندگی آن‌ها در کون شده و با روی آوردن به شهرها و روستا به کار خرید و فروش می‌پردازند.

در طبقه زنی که در شاهنامه جنگس که بهرام کور را در جنگ زنده کرد، مردم عیبی جورا شد به او گزارش دادند آن‌ها از این که بر خلاف اشراف شواب را بیرون راند و از آن‌ها می‌نوشند ناراضی هستند، پس شاه از این پادشاه هند خواستار اعزام بی‌اندازه هزار مردی که به نام مردم را در شامی و طوی نگاه دارند.

هم آنکه شنگل گزین کرده بود
ز این کجا بگفته‌اند که
بهر آنکه میان مردمی آمدند
که دلیل گز آن راه چون آمدند

مردمان کرده که این سخن گفته شد گوی که کسی را که
خداوند از رویا به آن‌ها این سخن را می‌نمود آن
مردم را به زبان‌ها را می‌گفتند و مردم را این
شاه بماند، به کار زراعیت نگرفتند آن را بخورند
و آوازه شهرها شدند.

بدو گفت شاه این تا کار تو بود
پدر گشتن نسیم و گشتند درود
خبری مانت که تو را به بر تو بود
بببازید رودی به ریشم تنبید
کنون لودی از پاک گلزار اوی
همی گزیده اندر جهان چاره‌جوی

در شاهنامه از میان مردمی که بهرام کور را در جنگ زنده کرد و آن‌ها را در شام نگاه داشتند و آن‌ها را به نام مردم می‌نامیدند و آن‌ها را به کار زراعیت می‌نمودند و آن‌ها را به کار زراعیت می‌نمودند و آن‌ها را به کار زراعیت می‌نمودند.



این موضوع مانع زجر و ازار آنها نشده است

در کشور رومانی و در زمان حکومت چائوشسکو سختی‌های زیادی می‌کشیدند و کارهای پستی به آنها محول می‌شد. در کشورهایی کمونیستی سابق حتی از به‌کار بردن زبان اصلی خود و مراعات سنت و آداب و فرهنگ مخصوص خود ممنوع بودند. با بالا گرفتن نفرت، بدبینی و نژادپرستی در بالکان که رنج و ازار کولی‌ها را سبب شد. سازمان کولی‌ها در اروپا در سال ۱۹۷۱ کنکره جهانی کولی‌ها را برگزار کرد که طی آن شاعر کولی نژاد یوگوسلاوی، مسلودان بربرسکی را به خاطر کوشش‌هایی که در راه احقاق حقوق آنها در مجامع بین‌المللی به عمل آورده بود به عنوان اولین رئیس خود انتخاب کردند. اگرچه در آمریکا وضع آنها بهتر شد، اما هنوز بسیاری از آمریکایی‌ها کارهایی را که خود از انجام آن اجتناب می‌ورزند به کولی‌ها واگذار می‌کنند. بعضی از آداب و کارهای آنها مانند تربیت حیوانات به ویژه خرس‌ها برای رقصیدن به شکل‌های مختلف و سگ‌های تربیت شده برای صید و خرها که در کوچ و حمل و نقل مورد استفاده قرار می‌گیرند هنوز از کارهای اصلی آنها محسوب می‌شود.

پرداخت مالیات و رفتن به سربازی معاف بودند. آنها که در نوع زندگی آزاد بودند برخی به کدایی، حقه‌بازی، فال‌گیری، بر پا داشتن شب‌نشینی، ساختن طبل، خنجر، قیچی و همچنین معالجه دندان اشتغال می‌ورزیدند.

زندگی پر فراز و نشیب کولی‌ها

کولی‌ها در دولت عثمانی زندگی آزادی داشتند. اما در سال ۱۵۳۰ سلطان سلیم طبق فرمانی جای سکونت آنها را محدود و مشخص نمود و پسرش سلطان سلیم دوم کولی‌هایی را که در معادن بوسنی (بوسنیا) کار می‌کردند از پرداخت مالیات معاف داشت.

این گروه با کاهش درآمد دولت عثمانی در اواخر قرن ۱۷ که باعث افزایش مالیات آنها گردید، تحت فشار قرار گرفتند. کرچه کوچ‌نشینی آنها ادامه داشت لیکن حرفه‌ی آنها تغییر یافت و به جای کار در معادن، به جارو کشی و پاک کردن دو دکش منازل پرداختند در حالی که کار اصلی آنها، نوازندگی، رقاصی، آهنگری و آموزش خرس‌ها و حیوانات بود.

کولی‌هایی که در سرزمین‌های عربی زندگی می‌کردند از طرف دولت عثمانی، از

کولی‌ها در اروپا و آمریکا

مردم اروپا با نفرت به این قوم نگاه می‌کنند و آنها را متهم می‌کنند که میخ‌های صلیب حضرت عیسی را کوبیده‌اند. به نظر انکلیسی‌ها کولی‌ها امراض مسری مانند وبا دارند و آتش‌سوزی‌ها را باعث می‌شوند و حیوانات مودی را پخش می‌کنند و از کارهای دیگر آنها سوزانیدن جنکله‌ها، شعبده‌بازی و جاسوسی می‌باشد. به‌طور کلی در تمام اروپا برخورد با آنها خوب نیست و عده‌ای سعی می‌کنند که آنها را تصفیه یا طرد نمایند. کولی‌ها فقط مجازند در کشورهای بالکان زندگی نمایند و اگرچه تعداد آنها زیاد است، ولی

پایان